

دو فصلنامه علمی مطالعات بیداری اسلامی، دوره نهم، شماره اول (پیاپی ۱۷)، بهار و تابستان ۱۳۹۹

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۰۱ صص: ۱۷۱-۱۴۱

## تحلیل سیاست خارجی ایران در مقابله با گروه تروریستی داعش:

۲۰۱۸-۲۰۱۴

نیلوفر اردم<sup>۱</sup> و سید جواد امام جمعه زاده<sup>۲</sup> و مهناز گودرزی<sup>۳</sup>

### چکیده

فعالیت گسترده گروه تروریستی داعش طی سال‌های ۲۰۱۴-۲۰۱۸ در عراق و سوریه با واکنش‌های مختلفی مواجه شد. هدف اصلی در این مقاله بررسی سیاست خارجی ایران در قبال داعش در قالب روش توصیفی - تحلیلی و در چارچوب نظریه موازنۀ تهدید است. مقاله این سوال اصلی را مطرح می‌کند که رویکرد سیاست خارجی ایران در قبال گروه داعش چگونه است و چه راهکارها و چالش‌هایی را در بر می‌گیرد. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که سیاست خارجی ایران در قبال داعش، به طور کلی از برداشت ایران از تهدید داعش شکل گرفته است. برداشت تهدید داعش از سوی ایران، دارای چهار شاخص عمده مجموع قدرت، نزدیکی جغرافیایی، قدرت تهاجمی و نیات تهاجمی است. در این راستا سیاست خارجی ایران در برابر داعش شکلی امنیت‌محور به خود گرفته است که از ویژگی‌های متعددی نظیر حضور فعال نهادهای نظامی در سیاست خارجی و تأکید بر بازدارندگی برخوردار است. در عین حال، سیاست خارجی ایران در قبال داعش با چالش‌های نیز مواجه است که مشکلات داخلی و شکاف‌های اجتماعی کشورهای درگیر، کارشناسی‌های بازیگران منطقه‌ای و راهبرد آمریکا در ایجاد جنگ‌های نیابتی و ائتلاف علیه تروریسم از آن جمله است.

**واژه‌گان کلیدی:** داعش، سیاست خارجی ایران، تروریسم، موازنۀ تهدید، بازدارندگی.

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری روابط بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوارسکان)، اصفهان، ایران.

<sup>۲</sup> دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. (نویسنده مسئول)

javad@ase.ui.ac.ir

000-0003-2075-7572

<sup>۳</sup> استادیار علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوارسکان)، اصفهان، ایران.



CC BY-NC-SA

## مقدمه

با شکل‌گیری گروه تروریستی داعش در افق امنیتی منطقه، کشورهای مختلف سیاست‌ها و راهبردهای گوناگونی را در قبال آن اتخاذ نمودند. در این بین، سیاست خارجی ایران در قبال این گروه از اهمیت شایان توجهی برخوردار است. از آنجا که اولویت‌های اعلامی داعش عمدتاً مردم و کشورهای شیعی را در بر می‌گیرد، می‌توان گفت که هدف اصلی این گروه تروریستی از تهاجم به سوریه و سرازیر شدن به عراق، تهاجم نهایی به مرزهای غربی ایران بوده است. به عبارت دیگر، تهاجم به ایران و ایجاد چالش‌های امنیتی برای این کشور، در صدر اولویت‌های دولت خود خوانده اسلامی عراق و شام بوده است. به علاوه این موضوع را می‌توان از نقشه اعلامی سرزمین‌های مورد ادعای داعش که محدوده خراسان بزرگ را در بر می‌گیرد نیز دریافت. از طرف دیگر، سیاست خارجی ایران نیز در راستای مقابله با داعش، فعالانه در جریان بوده است. نکته بارز در سیاست خارجی ایران با حضور گروه تروریستی داعش در اطراف محیط امنیتی خاورمیانه‌ای این کشور، استمرار سیاست خارجی امنیت‌محور این کشور در این ارتباط است. به علاوه، ایران سعی کرده است تا با روش‌های مختلف در مقابل تهدید داعش، دست به ایجاد موازنۀ بزند.

## ادبیات پژوهش

سیاست خارجی ایران در قبال داعش در برخی آثار مورد اشاره قرار گرفته است. از جمله دارا و خاکی (۱۳۹۷)، در مقاله «تحلیل اقدامات ژئوپلیتیکی داعش بر اساس مدل مفهومی والرشتاین – تیلور» اقدامات ژئوپلیتیکی داعش را پاسخی به عملکرد اقتصادی-سیاسی کشورهای مرکز نسبت به کشورهای پیرامون در قالب پدیده جهانی شدن و عدم شناسایی فرهنگی-هویتی ملت‌های پیرامونی از سوی قدرت‌های مرکز ارزیابی کرده است. نویسنده اقدامات داعش را در سه حوزه سرزمین و مرز، جمعیت و ملت و دولت و نظام سیاسی تحلیل نموده است.

رضایی و موسوی (۱۳۹۶) در مقاله «ظهور داعش و تاثیر آن بر معادلات منطقه‌ای: مطالعه موردی چالش‌ها و فرصت‌های به وجود آمده برای ایران» این سوال را مطرح کرده است که ظهور داعش، ایران را با چه چالش‌ها و فرصت‌هایی روبرو ساخته است؟ یافته‌های مقاله نیز نشان می‌دهند که تهدیدهای داعش با تغییر در معادلات منطقه‌ای برای ایران در حوزه‌های گفتگو، امنیتی و ایدئولوژیک، برجسته است؛ در عین حال، فرصت‌های ظهور داعش برای ایران عبارتند از: تمایز میان اسلام خشونت‌ورز و اسلام خشونت پرهیز، آشکارشدن ماهیت ضدتروریستی ایران برای جهان، برجسته شدن قدرت منطقه‌ای و تاثیرگذاری ایران در منطقه.

امامقلی و فشارکی (۱۳۹۵) در مقاله «داعش و امنیت ایران با تکیه بر مکتب کپنهاگ» می‌کشد تا تاثیر یکی از تهدیدات امنیتی بین‌المللی یعنی داعش بر امنیت ایران را تحلیل کند و این سوال را طرح کرده است که پدیده داعش به عنوان یک تهدید؛ چه نسبتی با امنیت ایران دارد؟ یافته‌های مقاله نیز نشان می‌دهد که حضور و نفوذ داعش در منطقه از منظر امنیتی به مثابه شمشیری دو لبه برای امنیت ایران عمل نموده که در صورت عدم توجه به هر تیغه، تحلیل تاثیر وجود داعش بر امنیت ایران نارسا بوده است.

برزگر (۲۰۱۵) در مقاله «در مقابله با داعش، ایران را نیز بازی دهید» در مجله فارن افز، به قابلیت‌های ایران در اجماع‌سازی در میان رهبران منطقه برای مقابله با داعش و امنیت‌افزایی در منطقه پرداخته است. این مقاله یکی از مهم‌ترین راهبردهای سیاست خارجی ایران در مقابله با افراط‌گرایی داعش را حرکت به سوی تشریک مساعی با دیگر بازیگران منطقه‌ای و کارکردن روی نقاط مشترک می‌داند و تجارب قبلی موفق استفاده از ظرفیت‌های ایران در بحران‌های افغانستان (۲۰۰۱)، عراق و لبنان را یادآور شده است.

سنایی و کاویان‌پور (۱۳۹۴) در مقاله «ظهور داعش و تاثیرات آن بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» سعی کرده‌اند با چارچوب نظری سازه‌انگاری به بررسی ظهور پدیده داعش و تاثیر آن بر سیاست خارجی ایران در سطوح منطقه و بین‌الملل پردازنند. در این مقاله تاثیرات داعش بر

سیاست خارجی در عراق حضور پررنگ ایران در عراق، تلاش برای حفاظت از اماکن مقدس عراق، ارتباط با اقلیم کردستان، سازماندهی نیروهای شبہ نظامی شیعی در عراق، فعالیت مستشاری و تقویت حضور نظامی در عراق است. حضور این گروه در سوریه نیز، ایران را به نزدیکی هر چه بیشتر با حزب الله، افزایش حضور مستشاری، حفاظت از اماکن مقدسه، رایزنی با روسیه و چین، ترغیب نموده است.

چنانچه مشخص است، اغلب آثار در این زمینه تنها به تحلیل فرصت‌ها و تهدیدهای ایران ناشی از داعش می‌پردازند و از راه کارهای عملیاتی و تحلیل سیاست خارجی ایران در مقابله با این گروه ناتوان هستند. اما نوآوری پژوهش حاضر در این است که دقیقاً موضوع سیاست خارجی را به عنوان هدف اصلی بررسی خود قرار داده است. برای دستیابی به این هدف، سوال اصلی مقاله این است که رویکرد سیاست خارجی ایران در قبال گروه داعش چگونه است و چه راهکارها و چالش‌هایی را در بر می‌گیرد. فرضیه اصلی نیز بدین صورت است که سیاست خارجی ایران در مقابل گروه داعش با رویکردی واقع گرایانه و بر بنای توازن تهدید شکل گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهند که سیاست خارجی ایران در قبال داعش، به طور کلی از برداشت ایران از تهدید داعش شکل گرفته است. این برداشت ناشی از شاخص‌های مجموع قدرت، نزدیکی جغرافیایی، قدرت تهاجمی و نیات تهاجمی داعش بوده است. در مقابل، سیاست خارجی ایران در برابر داعش، از ویژگی‌های متعددی نظیر حضور فعال نهادهای نظامی در سیاست خارجی و تاکید بر بازدارندگی برخوردار است. مهم‌ترین چالش‌های سیاست خارجی ایران در قبال داعش نیز مشکلات داخلی و شکاف‌های اجتماعی کشورهای درگیر، کارشنکنی‌های بازیگران منطقه‌ای و راهبرد آمریکا در ایجاد جنگ‌های نیابتی و ائتلاف علیه تروریسم است.

## ۱. چارچوب نظری: موازنۀ تهدید

نوواقع گرایان برای مدیریت وضعیت آنارشی بین‌المللی، راهبردهای مختلفی را در نظر دارند که اتخاذ اقدامات تدافعی از آن جمله است. دیدگاه‌های مختلفی در مورد مصاديق نوواقع گرایی

تدافعی وجود دارد که بارزترین نمونه آن، نظریه سیاست بین‌الملل کنت والتز است. نمونه‌های دیگر نیز، نظریه‌هایی است که نظریه پردازانی چون رابرت جرویس، جک اسنایدر، استفن والت و بری بوزان ارائه داده‌اند که بیشتر برای تکمیل نظریه والتز ساخته شده‌اند. نظریه والتز مصدق اولیه واقع گرایی تدافعی است که نظریه پردازانی مانند والت در جهت افزایش قدرت تبیینی آن تلاش کرده‌اند (دهقانی‌فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۳۸).

استفن والت<sup>۴</sup> در راستای بهینه‌سازی این نظریه، نظریه موازنه تهدید مطرح کرد. موازنه تهدید در واقع جانشین معماه امنیت مورد نظر واقع گرایان کلاسیک و نوواعق گرایان تهاجمی است. در واقع نظریه تدافعی با دوری از امنیت مطلق و تمامیت خواهانه رئالیسم کلاسیک به سوی توجه بیشتر و ارتقاء امنیت نسبی سوق یافته است. والت برای توازن تهدید شاخص‌هایی را مذکور می‌شود که عبارتند از: تجمعی توافقی‌ها و قدرت نظامی، نزدیکی جغرافیایی، قابلیت تهاجمی و نیت تهاجمی راه حل مقابله با تهدید، ایجاد موازنه به صورت تهدید است. دولت‌ها در مقابل واحدهای خاصی که موجد بیشترین تهدید‌اند، با یکدیگر متحد می‌شوند. در چارچوب این معادله، تهدید خارجی شدیدتر انگیزه‌های بیشتری را برای اتحاد دولت‌ها فراهم آورده و انسجام نظام را ارتقاء می‌بخشد (Walt, 1987: 20-26).

رابرت جرویس دیگر اندیشمند نوواعق گرایی تدافعی در کتاب «برداشت و سوء برداشت در سیاست‌های بین‌المللی» بر تاثیر عوامل و متغیرهای روانی و ادراکی بر سیاست خارجی کشورها تاکید می‌کند: «ادراک شامل تصاویر، باورها و اهداف است». وی در جایی این عوامل روانی را که همان برداشت‌های کشورها از یکدیگر را تشکیل می‌دهند، بر معماه امنیتی پیرامون نظام بین‌الملل و سیاست خارجی واحدهای عضو آن موثر می‌داند. جرویس همچنین در جای دیگر از کتاب خویش متغیرهای روانی و ادراکی را دارای تأثیراتی قوی بر کلیت سیاست خارجی نیز مورد ارزیابی قرار می‌دهد. بدین وسیله وی با در نظر گرفتن این متغیرها در ارتباط با فرایند

---

<sup>4</sup>. Stephen Walt

تصمیم‌گیری، آنان را به عنوان متغیر میانجی در شکل بخشیدن به رفتار سیاست خارجی کشورها می‌داند (Jervis, 1976). در مجموع از دید نظریه نوواقع گرایی تدافعی، کشورها در سیاست خارجی خود باید بیش از هر چیز به فکر حفظ جایگاه خود در نظام بین‌الملل باشند. در جهت حفظ این جایگاه، بیشینه‌سازی قدرت نسبی آن گونه که واقع گرایان کلاسیک و نوواقع گرایان تهاجمی می‌اندیشنند، کاربردی ندارد؛ بلکه کوشش دولت‌ها بایست صرف امنیت نسبی شود. بدین منظور، آنها موازنۀ تهدید در برابر دولت تهدید‌گر را به جای موازنۀ قوای سنتی توصیه می‌کنند.

## ۲. برداشت ایران از تهدید داعش

ظهور و قدرت‌گیری داعش در عراق و سوریه از عوامل تهدید‌زایی است که تاثیری مستقیم بر امنیت ملی ایران داشته است. داعش تهدیدات فرایندهای در سطح منطقه‌ای برای ایران به بار آورده است (حاتمی، ۱۳۹۴: ۳۸) که ناشی از برداشت ایران از این گروه به عنوان تهدید است که از مجموع قدرت، نزدیکی جغرافیایی، قدرت تهاجمی و نیات تهاجمی آن ناشی می‌شود.

### ۱-۲. مجموع قدرت

داعش به عنوان قدرتمندترین گروه تروریستی در منطقه، توانست بین سال‌های ۲۰۱۴-۲۰۱۸ ضمن تسلط بر گستره سرزمینی بزرگ متشکل از نیمی از سوریه و بیش از یک‌سوم عراق، حکومتی ایجاد کند که بیش از پنج میلیون نفر را تحت سلطه قرار دهد (صالحی و مرادی نیاز، ۱۳۹۳) داعش در طول سال‌های تسلط بر قلمرو ارضی خود، از تمام ابزارها و منابع اقتصادی برای افزایش توان خود بهره برد. این گروه همچنین اقدام به ضرب سکه تحت عنوان مصطلح دینار و درهم داعش در مناطق تحت سلطه نمود و در نوامبر ۲۰۱۴ مجله انگلیسی‌زبان داعش (دابق) در صفحه ۱۹ خود از این سکه‌ها رونمایی کرد (Moos, 2018: 1) دیدر عین حال، مهم‌ترین منابع مالی داعش عبارت بودند از:

- گرفتن اموال تاجران و ثروتمندان به زور و قرار دادن حق امتیاز برای ماشین‌های بزرگ (کامیون‌ها) در مسیر جاده‌های بین‌المللی.
- داعش به جمع اطلاعات امنیتی از کارمندان بلندپایه در بخش خدمات اقدام می‌کند و با ریودن بستگان‌شان، آنان را تهدید می‌کند و با اعطای بخشی از قراردادهای حکومتی با آنان معامله صورت می‌دهد؛ برای مثاله بنا بر اعترافات مناف راوی والی بغداد در سازمان داعش در سال ۲۰۱۰، داعش از شرکت ارتباطاتی آسیاسیل، ماهانه ۶۸۰ هزار دلار دریافت می‌کرده است.
- حصول مبالغی از تریلی‌های نفت کش خارج شده از پالایشگاه نفت بیجی، چیزی حدود سی هزار دلار در روز و میانگین پنج میلیون دلار ظرف پنج سال.
- درآمدی معادل نیم میلیون دلار روزانه در سال گذشته از چاه‌های نفت رقه، زمله، طبق و اطراف آن و همچنین منطقه نفتی الثوره بعد از تسلط بر آن.
- منطقه نفتی جبسه؛ بعد از تسلط داعش بر منطقه الشدادی، به گونه‌ای که ظرف شش ماه روزانه در حدود یک میلیون دلار نفت استخراج شده است.
- منطقه نفتی کوئیکو؛ پانصد هزار دلار روزانه، طی شش ماه.
- منطقه نفتی جفره با منابع نفت و گاز؛ میانگین چهارصد هزار دلار سالانه.
- سیلوی دانه و پنبه؛ عامر رفدان والی داعش در دیرالزور از جبهه النصره، تنها پنج میلیون دلار بهای پنبه دزدیدند.
- فروش وسایل شرکت‌های نفتی در داخل مناطق الشدادی و الجفره و سری‌های الماس به کار رفته در دستگاه‌های حفاری نفت، همچنین خود دستگاه‌های حفاری؛ بهای کلی این موارد حداقل ده میلیون دلار برآورد می‌شود.

- گرفتن فدیه از روزنامه‌نگاران خارجی و مسیحی؛ حتی از مسلمانی که سیگار می‌کشد و کسانی که فست رفتاری دارند و به عنوان تعزیرات فدیه می‌گیرند.
- معامله آثار باستانی سوریه با مافیای ترکیه که در موقع یورش به موزه نبک، آنها را به دست آوردن (اشرف‌نظری و السمنیری، ۱۳۹۲).
- آدمربایی و گروگان‌گیری و دریافت وجوده مالی از خانواده‌ها
- تکیه بر کمک‌های مالی سازمان‌های مردم‌نهاد و غیرانتفاعی به ویژه در کشورهای عربی
- کنترل بانک‌ها و موسسات مالی
- فروش زنان به ویژه در حمله به شمال عراق، از طریق اسارت و فروش زنان ایزدی.

## ۲-۲. نزدیکی جغرافیایی

داعش به طور خاص کشورهایی را هدف قرار داد که عمق راهبردی ایران و کشورهای اصلی در محور مقاومت را تشکیل می‌دادند. بنابراین، مجاورت با ایران عامل مهمی در تهدیدزایی برای ایران بود. در حالت کلی نوع روابط ایران با همسایگان به گونه‌ای است که هر نوع تغییر در وضع ژئوپلیتیک قومی کشورهای همسایه بر بافت قومی ایران نیز موثر خواهد بود. بر این اساس شکاف‌های اجتماعی موجود در برخی از کشورهای منطقه، چالش اساسی برای سیاست خارجی ایران در شرایط ظهور داعش بود. به همین ترتیب تجزیه عراق به مناطق شیعی، سنی و کرد سال-هاست که در قالب‌های مختلف طرح خاورمیانه بزرگ و نظری آن مطرح است. این موضوع در بحران سال ۲۰۱۴ این کشور، به این دلیل قوت گرفت که نمود اولیه عدم توازن ناشی از ظهور داعش در خاورمیانه، تغییرات ژئوپلیتیکی موجود در منطقه بود. تسلط داعش بر عراق، وضعیت سیاسی و ژئوپلیتیکی نوینی را در منطقه به وجود آورد و کنشگران جدیدی را وارد عرصه سیاسی خاورمیانه کرد. داعش با استفاده از گسل‌های اجتماعی عراق، در ابتدای سال ۲۰۱۵ تا ۵۰ کیلومتری مرزهای غربی ایران در نزدیکی شهرهای جلوی و سعدیه در استان دیاله نفوذ کرد. این

امر باعث شد تا عده‌ای داعش را علاوه بر ابعاد تروریستی، قدرتی متمرکز ارزیابی کنند که قدرت بسط ژئوپلیتیک قلمرو خود را دارد. در این چارچوب، سیاست خارجی ایران بر این اعتقاد بود که داعش توان این را دارد تا دولت بغداد را سرنگون کند و موقعیت تهران را در عراق با چالش مواجه سازد (مرادی و سیمیر، ۱۳۹۵: ۴۳-۴۹).

## ۲-۳. قدرت تهاجمی

شاخص قدرت تهاجمی داعش از سویی قابلیت‌های نظامی و از سوی دیگر ایدئولوژی مشروعیت‌بخش و بسیج کننده آن را در بر می‌گیرد. از نظر قدرت تهاجمی باید گفت که داعش دارای ساختاری همچون یک ارتش منظم نبود. بنابراین، دکترین رزمی آن نیز، اگرچه به مراتب منظم‌تر از سایر گروه‌های تروریستی نظیر القاعده بود، اما بر جنگ‌های نامنظم تکیه داشت که در آن، تسليحات سنگین مشخصاً نقش بارزی نداشتند. با این وجود، اندوخته نظامی داعش در عمل با داشته‌های یک ارتش کوچک برابری می‌کرد. بخش اعظم این تسليحات از ارتش‌های عراق و سوریه، اباره‌ای تسليحات قدیمی ارتش صدام و نیز جریان هرج و مرج لیبی به دست داعش افتاد. به این میزان باید، تسليحات ارسالی از سوی دولت‌های خارجی برای گروه‌های شورشی در سوریه که در نهایت به دست داعش می‌افتد را نیز اضافه کرد. در عین حال، در اختیار داشتن این تسليحات، لزوماً به معنای عملیاتی بودن تمام آنها نیست. با این وجود، با توجه به نبود اطلاعات، از میزان دقیق داشته‌های این گروه اطلاع دقیقی در دسترس نبوده است.

بنابر گزارش‌های منتشر شده، گروه داعش از منابع مختلفی سلاح، مهمات و تجهیزات نظامی خود را تامین می‌کرد که عبارتند بودند از:

۱. به غنیمت گرفتن تسليحات از ارتش‌های عراق و سوریه

۲. غنیمت گرفتن سلاح از گروه‌های دیگر مانند جبهه‌النصره، ارتش آزاد و ...

۳. خرید از تجار سلاح منطقه و ارسال تسليحات توسط برخی کشورهای منطقه به صورت مستقیم و غیرمستقیم.

داعش به طور عمد کمبودهای خود در تسليحات را در پیروی‌های میدانی علیه ارتش سوریه و عراق به ویژه در تصرف بزرگ‌ترین تسليحات عراق در استان موصل جبران کرد. با این وجود پس از تسخیر موصل در سال ۲۰۱۴ داعش به سلاح‌های زیر دست یافت:

انواع خودروهای نفربر نظامی و تانک‌های زرهی هامر، انواع سلاح‌های سبک و نیمه‌سنگین: کلت، کلاشینکف، تفنگ‌های ام ۱۶، انواع مسلسل، آرپی جی، موشک‌های کاتیوشا، راکت‌های ضدتانک از نوع ام ۷۹ و ...

انواع مواد منفجره، سلاح‌های کشتار جمعی مانند گاز کلر، توپخانه‌های ۱۳۰ و ۱۵۵ میلیمتری، ضدهوایی‌ها، موشک‌اندازها و دوشپرتاب‌های پیشرفته از جمله: دوشپرتاب اف ای ام ۹۲ استینگر و انواع موشک‌های زمین به هوا از نوع حرارتی و اسکاد با سوخت مایع. داعش تسليحات ارتش سوریه را نیز در پادگان‌های نظامی در الرقه، الحسکه و دیرالزور در شرق این کشور به غنیمت گرفتند (نجات، ۱۳۹۴: ۱۱۰-۱۰۹).

در حیطه ابزارهای بسیج کننده نیز که جزئی از قدرت تهاجمی محسوب می‌شود، داعش ایدئولوژی خاص خود را به صورت ابزاری مورد استفاده قرار می‌دهد. ایدئولوژی به معنای مجموعه‌ای از مفاهیم و مفروضه‌ها در مورد رفتار و نظامهای اجتماعی یا دسته‌ای از اندیشه‌ها و ایده‌ها راجع به نظم و نسق سیاسی – اجتماعی و چگونگی اجرای آنها می‌باشد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۸۹). ایدئولوژی باعث معنابخشی زندگی افراد و جوامع شده و باعث گسترش وفاداری در بین افراد می‌شود که این امر گاهی بروز اقدامات خشونت‌آمیز را نیز در پی دارد. این اقدامات در جهت دفاع از آنچه ارزش‌های ایدئولوژی خوانده می‌شود، صورت می‌گیرد. بررسی نقش ایدئولوژی در شکل‌گیری تروریسم نشان می‌دهد که ایدئولوژی می‌تواند خشونت را تقویت نموده و نقش تحریک، کننده، مشوق و بسیج کننده‌گی بسیاری را ایجاد نماید.

بر مبنای نقش ایدئولوژی، یکی از دلایل خشونت، وجود تصور محاصره توسط بیگانگان است و همواره این احساس وجود دارد که مبانی ایدئولوژیک آنها مورد تهاجم واقع شده است. مساله محاصره در میان افراد تندره ایدئولوژیک گاهی ناشی از نیاز تفکیک میان خود و عالم خارج می‌باشد. به عنوان مثال سلفی‌های رادیکال دنبال دوگانه‌ای از خود و دیگری تعریف می‌کنند که مرز پاکی و پلیدی را مشخص می‌کند. این مرزبندی سبب می‌شود تروریست‌ها به خود اجازه حذف فیزیکی و نابودی دیگران را دهند؛ زیرا از دیدگاه آنها این افراد لایق زندگی نبوده و باید از بین بروند. ریشه این تفکر به نوعی به تفکر دیالکتیکی جهانی ناشی از مبارزه مومنان و کفار، نظم و بی‌نظمی، عدالت و بی‌عدالتی و ... باز می‌گردد. این جهانبینی دوگانه سبب تسهیل جنگ تمام‌عيار با دشمن می‌شود و می‌تواند خشونت بی‌حد و حصری در بر داشته باشد. این توجیهات در بخشی از گروه‌هایی که علیه نظام اسلامی در حال مبارزه هستند مانند داعش دیده می‌شود. این گروه با استناد به آموزه‌های رادیکال، خود را در تقابل با حکومت شیعی ایران تعریف می‌کنند (گوهری مقدم، ۱۳۸۹).

بدین ترتیب، ایدئولوژی بسیج کننده داعش را می‌توان همانند قابلیت‌های نظامی که این گروه در اختیار داشته است، بخشی از تهدید علیه ایران به شمار آورد. به ویژه اینکه برخی از اعضای این گروه نیز ایرانی بوده‌اند. این موضوع در حملات تروریستی داعش در سال ۱۳۹۶ به مجلس شورای اسلامی و حرم امام خمینی (ره) دیده شد و این احتمال را تقویت کرد که این تفکر در ایران نیز می‌تواند طرفدارانی هرچند بسیار اندک داشته باشد. همین ایدئولوژی داعش که بر مبنای تکفیر غیر هم‌کیش بنا نهاده شد، توانست در قالب انگاره‌های سخت و محکم و غیرعمل‌گرا، افراد بسیاری را از سراسر دنیا جذب کند.

#### ۴-۲. نیات تهاجمی

در مورد نیات تهاجمی داعش علیه ایران، موضوع اصلی به ایدئولوژی تکفیری این گروه برمی‌گردد. از نگاه رهبران این گروه کلیه شیعیان، کشورهای شیعی و ایران به عنوان ام‌القرابی

جهان تشیع، از دین برگشته و راضی هستند. بر این اساس، در مصاحبه‌ها و فایل‌های صوتی که هر از گاهی از این گروه منتشر می‌شود، اغلب تهدید ایران به چشم می‌خورد. تکفیری‌های داعش بر اساس فتاوی شیوخ وهابی خود، علاقه به فرزندان پیامبر اسلام (ع) و در دل داشتن محبت آنها و ابراز آن را شرک و بت‌پرستی می‌دانند. برای مثال در یکی از این اقدامات، داعش در صفحات توئیتر خطاب به تمامی شیعیان نوشت: «رافضی»‌ها بدانند که هدف ما تخریب نماد شرک آلود در نجف، کربلا و سامرا است. بدانید که بعد از تخریب این نمادها در عراق به ایران خواهیم آمد و مشهد ایران را با خاک یکسان خواهیم کرد. در پایان، «داعش» از تمامی مسلمانان درخواست کرد که برای تطهیر زمین از «رافضی»‌ها بسیج شوند، تا هر چه سریعتر اسلام اصیل در جهان جریان یابد (شبکه العالم، ۱۳۹۶/۰۷/۰۶). در میان سخنان رهبران این گروه نیز تهدید علیه ایران، به وفور دیده می‌شود. برای مثال ابوبکر البغدادی در یک فایل صوتی که از وی منتشر شد، مدعی شد که ایران به دنبال اشغال مکه و مدینه، چپاول نفت منطقه خلیج فارس و نیز سیطره بر یمن است. وی همچنین اهل سنت عراق و سوریه را به اقدام علیه شیعیان و ایران تحریک کرد.

### ۳. ویژگی‌های سیاست خارجی ایران در مقابل داعش

#### ۱-۳. حضور فعال نهادهای نظامی در سیاست خارجی

نهادهای نظامی مانند سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ارتش به نسبت مختلف در سیاست خارجی ایران نقش دارند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹). یکی از ویژگی‌های اصلی سیاست خارجی ایران در مقابل داعش نیز، حضور فعال نهادهای نظامی در عرصه سیاست خارجی است. سیاست خارجی ایران همانند دیگر کشورها از منابعی برخوردار است که یکی از اصلی‌ترین این منابع، تاثیرات نهادهای مختلف بر سیاست خارجی است. از آنجا که وضعیت میدانی در خاورمیانه در حال حاضر عرصه بحران‌های مختلف نظری حضور پرقدرت آمریکا و متحدهای منطقه‌ای این کشور، ائتلاف‌های منطقه‌ای ضد ایرانی، وجود پایگاه‌های متعدد دولت‌های فرامنطقه‌ای در اطراف مرزهای ایران، تهدیدات گروه‌های بنیادگرای تندر و وجود دولت‌های شکننده در این منطقه

می‌باشد، به همین نسبت محیط منطقه‌ای ایران نیز در این محدوده با تهدیدات عدیده‌ای مواجه است، طبیعتاً سیاست خارجی و سیاست امنیت ایران در عرصه منطقه‌ای به طرف آنچه که واقع گرایان آن را سیاست اعلاً یا قدرت نظامی می‌نامند، سوق یافته است. در همین راستا است که شاهد حضور پرقدرت نهادهای نظامی در عرصه سیاست خارجی هستیم.

تلash برای تحقق اهداف فراملی سیاست خارجی و آرمان‌های انقلاب اسلامی از جمله مهم‌ترین وظایف نیروهای مسلح است. در مقدمه قانون اساسی این مسؤولیت خنثی ارتش و سپاه پاسداران تحت عنوان ارتش مکتبی، این چنین تعریف و تعیین شده است: «نه تنها حفظ و حراست از مرزها، بلکه با رسانالت مکتبی یعنی جهاد در راه خدا و مبارزه در راه گسترش حاکمیت قانون خدا در جهان را نیز عهده‌دار خواهند بود». بدیهی است که اهمیت این وظیفه ایجاد می‌کند که ارتش و سپاه در فرایند تصمیم‌گیری سیاست خارجی و دفاعی حضور فعال داشته باشند. این ضرورت نیز جایگاه و منزلت این دو نهاد نظامی را در ساختار تصمیم‌گیری سیاست خارجی ایران ارتقاء می‌بخشد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۲۹۰).

نقش سپاه پاسداران در مقابله با داعش نیز بسیار بارز بوده است. در واقع سپاه پاسداران و نیروی قدس این نهاد، در مبارزه با داعش پیشرو بوده است. نیروی قدس با درک ابعاد خطرات راهبردی داعش در سطح منطقه، با اعراض از سیاست انتظار اولیه و با در نظر گرفتن اولویت‌های کلان، به سرعت وارد جنگ با داعش شد. طی این سال‌ها سطح بازیگری سپاه و نیروی قدس علیه داعش به حدی بود که به سرعت این نیرو را به محور عملیاتی طرح‌های ضدتروریستی در منطقه تبدیل کرد. این نقش آفرینی موثر همچنین مانع حضور بازیگران غربی پیرامونی ایران به بهانه مبارزه با داعش شد که از جنبه راهبردی برای منافع بلندمدت ایران در منطقه حائز اهمیت بود. سپاه و نیروی قدس آن دارای اولویت‌هایی در ورود به صحنه مبارزه با داعش است:

۱. مقابله نظامی، فکری و ایدئولوژیک و ممانعت از افزایش حوزه بازیگری تروریست‌ها؛
۲. دفاع از تمامیت ارضی عراق و سوریه و حفاظت از اماکن مقدسه شیعیان؛

۳. حمایت از همه جریان‌هایی که در عراق و سوریه علیه داعش و سایر گروه‌های تروریستی اسلحه به دست گرفته‌اند. این حمایت‌ها از کردهای عراق و سوریه تا شیعیان عضو حشدالشعبی و عشاير سنی را شامل می‌شود؛

۴. هماهنگی با سایر عوامل سپاه پاسداران و ارتش ایران برای جلوگیری از تسری در گیری عراقی به خاک ایران با ایجاد یک خط مرزی یکصد کیلومتری ورود من نوع؛

۵. بهره‌گیری از فضای رسانه‌ای به منظور مقابله با گسترش جریان‌های وهابی- تکفیری در منطقه؛

در این راستا سپاه پاسداران از ابتدای بحران‌های منطقه‌ای بعد از سال ۲۰۱۱ به ویژه در سوریه و بعد از آن در عراق، وظیفه خود را در مورد حفظ متحدین منطقه‌ای ایران انجام داده است. در پی اعتراضات سال ۲۰۱۱ در شهرهای حمص و حماه سوریه، آیت‌الله خامنه‌ای این اعتراضات را متفاوت از بهار عربی دانست و آن را «جنبش انحرافی» نامید. در روز ۱۵ سپتامبر ۲۰۱۲، سرلشگر محمدعلی جعفری فرمانده وقت سپاه پاسداران گفت: «ما به کمک اطلاعاتی و مستشاری به سوریه به عنوان محور مقاومت ادامه می‌دهیم. ایران به این حمایت افتخار می‌کند». بر این اساس، بسیاری از مقامات ایران بر لزوم ارائه حمایت نظامی و سیاسی به بشار اسد برای جلوگیری از پیش‌روی گروه‌هایی مانند داعش تاکید ورزیدند. در عین حال، حضور نظامی ایران در سوریه به منزله وجود واحدی کوچک، متوسط یا هنگ و تیپ نیست. نگاه به لیست کسانی که از سوی ایران در سوریه به شهادت رسیده‌اند، نشان می‌دهد که همگی آنها افراد رده بالای نظامی یا اعضای نیروهای ویژه سپاه بوده‌اند. سردارانی همچون اسکندری، اللهدادی، کجاف، حسونی‌زاده، همدانی، مختاری و سمایی که علاوه بر ماموریت‌های مستشاری، وظیفه سازماندهی مقاومت مردمی علیه تروریسم را نیز بر عهده داشته‌اند (دیپلماسی ایرانی، ۱۳۹۴).

در عراق نیز حضور مستشاری ایران پرنگ بوده است. عراق کشوری است که بیش از ۱۵۰۰ کیلومتر مرز مشترک به همراه پیوندهای فرهنگی دیرینه با ایران برخورد است. این کشور در پی جابجایی قدرت از حزب بعث به اکثریت شیعیان، به یکی از متحدین منطقه‌ای ایران درآمده است.

ایران در راستای منافع امنیتی، اقدام به کمک‌های متعدد نظامی و امنیتی مستشاری در قبال دولت این کشور در پی بحران ۲۰۱۴ و هجوم داعش به مناطق شمال و شمال غربی کرد. بسیاری بر این نظرند که ارتش عراق به تنها بی گسیخته و ناتوان بود و بدون نیروهایی مانند حشدالشعبی و نقش ایران قادر به مقابله با داعش نبود. ایران نقش بارزی در شکل‌دهی به مقاومت‌های مردمی علیه داعش در قالب نیروی مردمی متشكل از گروه‌های قومی و مذهبی عراق داشت. عملیات‌های آزادسازی شهرهای مهمی همچون آمرلی، جرف‌الصخر، ادور، العلم، تکریت، بلد و ضلعیه از عملکردهای مهم حشدالشعبی در مقابل با داعش بود.

### ۲-۳. بازدارندگی

سیاست مبتنی بر بازدارندگی و راهبرد بازدارنده یکی دیگر از ویژگی‌های سیاست خارجی ایران در مقابل با داعش است. بازدارندگی در واقع تحت تاثیر قرار دادن رفتار، با تهدید است. بازدارندگی، مستلزم تهدید به استفاده از زور و نیرو برای جلوگیری از استفاده از نیروی قهقهه، توسط شخص دیگری است (ازغندی و روشنل، ۱۳۸۶). بازدارندگی در سیاست خارجی ایران در مقابل با داعش به دو طریق اصلی صورت گرفته است:

#### - استفاده از توانمندی موشکی

یکی از عرصه تبلور بازدارندگی در سیاست خارجی و دفاعی ایران، تمرکز بیش از همه بر توان و قدرت موشکی به ویژه در یک دهه گذشته است. قدرت موشکی ایران یکی از عرصه‌هایی است که به رغم فشارهای گسترده از سوی آمریکا و اروپا طی چند دهه اخیر در صدد تقویت آن بوده است. (Eisenstadt, 2016: 1-2). بدین گونه دستیابی به قدرت موشکی در راهبرد دفاعی ایران جایگاه ویژه‌ای دارد. جنگ عراق علیه ایران و جنگ اول خلیج فارس نقش بسیار بالای موشک‌ها را در نبردهای آینده نشان دادند. شرایط منطقه‌ای ایران بعد از فروپاشی شوروی و حضور گسترده آمریکا در خلیج فارس و کشورهای همسایه ایران و تهدیدات رژیم صهیونیستی، اتخاذ رویکرد خوداتکایی دفاعی را در مقابل تهدیدات خارجی برای کشور گزینه اجتناب ناپذیر

کرد. این امر با بومی‌سازی تکنولوژی موشکی تحقق یافت و با توجه به انتخاب بازدارندگی به عنوان راهبرد دفاعی اصلی ایران در فرایند نوسازی صنایع نظامی، بر ارتقاء تکنولوژی موشکی بسیار تاکید شده است (امینیان و ضمیری جیرسایی، ۱۳۹۵: ۵۳).

یکی از مهم‌ترین حملات موشکی سپاه پاسدان در راستای سیاست‌های بازدارنده ایران، در ژوئن ۲۰۱۷ به مواضع داعش در دیرالزور در شرق سوریه انجام گرفت. در این حمله، موشک‌های میان‌برد زمین به زمین شهاب با برد ۸۰۰ کیلومتر در پایگاه‌های موشکی سپاه در کرمانشاه و کردستان به هدف شلیک شد که پس از عبور از خاک عراق، سوریه را هدف قرار دادند. این حمله که به گفته فرماندهی سپاه پاسداران در انتقام حملات تروریستی داعش در تهران در سال ۱۳۹۶ انجام شد، اولین حملات گزارش شده از خاک ایران به داعش در سوریه بود.

#### - حمایت از نقش حزب الله لبنان

دیگر راهبرد ایران در راستای سیاست بازدارنده در مبارزه با داعش، حمایت از نقش حزب الله لبنان و نیروهای مقاومت در سوریه و عراق است. حزب الله از اثرگذارترین گروه‌ها در مقابله با تروریسم در منطقه، به ویژه در سوریه شناخته می‌شود که فعالیت‌های آن تا حد زیادی شکست‌های سنگینی را به داعش تحمیل کرده است. از آنجا که بازدارندگی، حضور فعال ایران در دو حلقه امنیتی فوری و غیرفوری را ایجاد می‌کند، حزب الله لبنان مهم‌ترین بازیگر غیردولتی و مهم‌ترین خط اتصالی ایران از تهران تا دمشق در محیط امنیتی غیرفوری ایران است. در این محیط بازیگرانی دیگری نیز شامل سوریه، لبنان، اردن و فلسطین نیز حضور فعال دارند. رویکرد ایران در قبال حزب الله در این محیط، رویکردی حمایتی در جهت موازنه‌سازی علیه اسرائیل و گروه‌های تکفیری است. طبق گزارش سال ۲۰۱۵ شورای روابط خارجی آمریکا، کمک‌های ایران به حزب الله علاوه بر کمک‌های تسليحاتی و لجستیکی، بالغ بر ۲۰۰ میلیون دلار شده است (روحی و مرادی، ۱۳۹۴: ۲۹۰).

حزب الله نقش بارزی در استمرار محور مقاومت دارد و اصولاً هدف نهایی فشارهای چندین سال گذشته از سوی کشورهای منطقه‌ای و آمریکا در راه اندازی بحران سوریه، تغییر رویکرد این کشور در حمایت از حزب الله است. حزب الله متعدد راهبردی دولت سوریه است. سوریه و بشار اسد در جنگ ۳۳ روزه سال ۲۰۰۶ بین لبنان و رژیم صهیونیستی، نقش راهبردی در تامین تسليحات حزب الله و نیز پذیرفتن آوارگان شیعی جنوب لبنان داشت. حزب الله در جریان نبردهای آزادسازی مناطقی از سوریه از دست داعش به ویژه شهر راهبردی القصیر در استان حمص در سال ۲۰۱۳، نبرد قلمون در مرز لبنان و نیز آزادسازی شهر سیده زینب در ريف دمشق نقش مهمی ایفا نمود. نقش این گروه در نبردهای قلمون، نبردهای ضد تروریستی در سوریه در واقع آزمونی بزرگ برای حزب الله برای اثبات خود به عنوان بازیگری تاثیرگذار در منطقه بود. به همین دلیل برخی تحلیلگران حزب الله را برنده اصلی جنگ سوریه می‌دانند و معتقدند این جنگ توان عملیاتی حزب الله برای نبردهای آینده به ویژه در ارتباط با رژیم صهیونیستی را افزایش داده است. (Philips, 2018).

### ۳-۳. سیاست ائتلاف‌سازی با روسیه

سیاست خارجی ایران در مقابل داعش راهبرد ائتلاف‌سازی با روسیه را نیز در دستور کار قرار داده است. روسیه مهم‌ترین بازیگر بین‌المللی ضد تروریستی در خاورمیانه است. روسیه در بحران سوریه حمایت کامل خود را از دولت اسد به نمایش گذاشته است. این حمایت‌های روسیه هر چند بیشتر دلایل ژئوپلیتیکی دارد و در صدد حفظ سوریه در مدار مسکو می‌باشد، اما مبارزه با تروریسم نیز از مهم‌ترین اولویت‌های روسیه است. مسکو روسیه از چهار منطقه قفقاز شمالی، قفقاز جنوبی و آسیای مرکزی و خاورمیانه در خطر هجوم حملات تروریستی از سوی تروریسم قرار دارد. چنانچه واقعیت‌های میدانی نشان می‌دهد، روسیه بعد از اتمام کار و برچیده شدن تروریست‌های معارض دولت سوریه به ویژه داعش، با معضل بزرگ بازگشت این افراد به موطن اصلی خود، یعنی مناطق آسیای مرکزی و قفقاز مواجه خواهد بود، که جدی‌ترین تهدید امنیتی بعد از حضور ناتو در مرزهای این کشور به حساب می‌آید.

آمار ارائه شده نشان می‌دهد که تعداد زیادی از تروریست‌های داعش تابعیت روسی دارند. بر طبق آمار گروه سوفان در آمریکا در اکتبر ۲۰۱۷، در بین پیکارجویان خارجی که در سوریه و عراق به ویژه در داعش مشغول به فعالیت بوده‌اند، بیش از ۳۰۰۰ تبعه روس وجود دارد که از این بین حدود ۴۰۰ تروریست تاکنون به روسیه بازگشته‌اند. در عین حال، بررسی تعداد این تروریست‌ها به تفکیک مناطق موجود در جهان نیز نشان می‌دهد که بیش از ۸۰۰۰ نفر از آنها از جمهوری‌های استقلال‌یافته شوروی سابق و نزدیک به ۱۰۰۰ نفر از بالکان به سوریه و عراق هجوم آورده‌اند (Barrett, 2017: 9-14).

بازگشت این افراد، علاوه بر اینکه معضل اصلی امنیتی روسیه در آینده خواهد بود، جایگاه قدرت بزرگ هنجرمند روسیه را در سطح بین‌الملل تحت تاثیر قرار می‌دهد. به همین دلیل به نظر می‌رسد که روسیه همانند ایران در صدد امحاء این تهدید از مبدأ است. بنابراین نوعی هدف مشترک علیه تروریسم میان ایران و روسیه شکل گرفته است. در راستای تحقق این هدف بسیاری در روسیه معتقدند که روسیه ناگزیر از همکاری با ایران در این موضوع است، اما نمی‌توان این موضوع را اتحاد راهبردی ایران و روسیه دانست. بلکه نوعی سیاست ائتلاف برای مقابله با تهدید مشترک است. نظر می‌رسد که شاهد نوعی از تقسیم کار مشترک بین دو کشور در جنگ علیه تروریسم هستیم (Trenin, 2016: 2-5). ورود عملیاتی و میدانی روسیه به جنگ سوریه در واقع پس از اظهارات ولادیمیر پوتین در سپتامبر ۲۰۱۵ در مجمع عمومی سازمان ملل رقم خورد. پوتین در این سخنرانی که به صورت رسمی ورود روسیه به جنگ را به صورت کاملاً قانونی و مطابق با موازین بین‌المللی و بنا به درخواست دولت سوریه و در چارچوب مبارزه با تروریسم اعلام کرد، با انتقاد از سیاست‌های آمریکا در خاورمیانه، آنها را غلط و موجب شکست بزرگ خواند و پرسید آیا به آنچه انجام داده‌اید، اکنون پی برده‌اید؟ (حاجی یوسفی و ذوالفقاری، ۱۳۹۶: ۱۸۵).

اقدامات روسیه در مبارزه با داعش و سایر گروه‌های تروریستی بیشتر در قالب انجام عملیات‌های بمباران هوایی موضع داعش در شهرهای دیرالزور و رقه سوریه انجام شد. در عین حال، ایران و

روسیه همکاری‌ها را در زمینه مبارزه با داعش گسترش داده و حتی در یک برهه روسیه از پایگاه‌های هوایی ایران جهت حمله در عمق خاک سوریه استفاده کرد. وبسایت بیزینس اینسایدر در سال ۲۰۱۸ به نقل از ویکتور بوندارف رئیس کمیته دفاعی و امنیتی پارلمان روسیه اعلام کرد که در حملات هوایی این کشور به سوریه تا اکتبر ۲۰۱۸ حدود ۸۵ هزار تروریست کشته شده‌اند (*Business Insider, 2018*).

#### ۴-۳. دیپلماسی پویا

اقدامات دیپلماتیک تهران در قبال داعش را باید در کلیت بحران‌های منطقه‌ای به ویژه بحران سوریه مورد بررسی قرار دارد. تهران و دمشق مناسبات تاریخی و پیچیده‌ای دارند که ریشه‌های آن در اعمق تاریخ ریشه دارند. تحولات سال‌های اخیر سوریه و قدرت‌گیری گروه‌های تروریستی نظیر داعش، نه تنها به سطح مناسبات میان طرفین آسیب نرساند بلکه انگیزه‌های جدیدی برای تحکیم بنیه روابط فیما بین دو کشور آفرید (قاسمیان، ۱۳۹۲: ۱۱۳). در این راستا، ایران همانند عربستان سعودی، ترکیه و سایر حامیان معارضان سوری، سیاست‌های ائتلافی خود با روسیه را علاوه بر عرصه‌های میدانی، به عرصه‌های دیپلماتیک نیز تسربی داد. در این رابطه به گفته محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه انعقاد بر جام بین ایران، اتحادیه اروپا و گروه ۵+۱، بسیاری از طرفیت‌های سیاست خارجی ایران را آزاد نمود و موجب شد که دستگاه دیپلماتیک ایران با فراغ بیشتری به موضوعات منطقه‌ای پردازد. نمونه مطلوب به کار گیری دیپلماسی در سیاست خارجی ایران علیه داعش در بحران سوریه، سلسله نشست‌های آستانه قراحتان است که ابتکار مذاکرات سوری - سوری را با شرکت ایران، روسیه و ترکیه مطرح نمود. وزیر امور خارجه ایران دیپلماسی و مذاکرات ایران در بحران سوریه برای نبرد علیه تروریسم داعش را مبتنی بر قدرت ایران دانسته و می‌گوید:

«امروز شرایط در سوریه این گونه است که وزرای خارجه روسیه و آمریکا در پاییز ۱۳۹۵ تصمیم گرفتند در سوریه آتش‌بس اعلام کنند، ولی نتوانستند و آتش‌بس آنها دوام نیاورد. سه ماه

بعد، ما، روسیه و ترکیه با استفاده از قدرت میدانی ما و روسیه و با افرودن ظرفیت مذاکره و بهره‌گیری از قدرت میدانی در دیپلماسی توانستیم روند آستانه را شروع کنیم که توانسته خون‌ریزی را تا حد زیادی کاهش داده و حتی متوقف کند و روند سیاسی را شروع کند. برای رسیدن به این وضعیت، شرایط میدانی حتماً مهم و محوری بوده است ولی بدون دیپلماسی و مذاکره نمی‌توانستیم به این نتایج برسیم. هر زمان هم که دیپلماسی و مذاکره را کنار بگذاریم احتمال تجدید خاطره تلخ بوسنی وجود دارد. برای این که این واقعیت را در کم لازم است ... با تغییر شرایط بین‌المللی ایران، وضعیت ما در مذاکرات سوریه هم تغییر پیدا کرد. این وضعیت کاملاً وابسته به شرایط میدانی هم نبود. اتفاقاً در اوج ضعف دولت سوریه و شرایط نابسامان میدانی که حتی دمشق در خطر بود، نه تنها ما را برای مذاکرات دعوت کردند، بلکه در اجلس لوزان ما تعیین کردیم چه کسانی بیایند. یعنی ایران از کشوری که به مذاکرات دعوت نمی‌شد، تبدیل شد به کشوری که تعیین می‌کند چه کسانی در مذاکرات شرکت کنند. علت آن تغییر وجهه بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران بود. باید مراقب باشیم که وضعیت دویاره به شرایط قبلی برنگردد. حضور در صحنه مذاکره، حیاتی است و می‌تواند شرایط خوب میدانی را نهادینه کند. بدون حضور در صحنه مذاکره، دستاوردهای میدانی که با رشادت مدافعان حرم و سردارانی همچون سرلشگر سلیمانی بدست آمده توسط دیگران هزینه می‌شود و ما در حاشیه قرار می‌گیریم» (ظریف، ۱۳۹۷: ۲۵-۲۴).

#### ۴. چالش‌های ایران در مبارزه با داعش

##### ۱-۴. مشکلات داخلی و شکاف‌های اجتماعی در کشورهای درگیر

یکی از مهم‌ترین چالش‌های ایران در مقابله با داعش مشکلات داخلی و شکاف‌های اجتماعی در عراق و سوریه است. به عبارتی، در سیاست خارجی واقع‌گرایانه ایران شکاف‌های اجتماعی که خود یکی از مهم‌ترین عوامل سبب‌ساز داعش است، در راه مبارزه با این گروه نیز ممانعت ایجاد می‌کند (Westermayr, 2015: 144-149). برای مثال ایران مجبور است به دلیل عدم

وجود ساختارهای اولیه و دموکراتیک در کشورهای هدف تروریسم داعش، در راه تعديل کشمکش‌های موجود در این کشورها نیز اقدام کند. به همین دلیل است که مقامات ایران علاوه بر تاکید بر مبارزه مستقیم و سخت با داعش در تمامی سطوح، به طور مداوم بر مسیر حفظ تعادل میان اقوام موجود در کشورهای درگیر و نیز گذار به سوی وحدت و تنش‌زدایی داخلی تمرکز می‌کنند.

#### ۲-۴. کارشنکنی‌های بازیگران منطقه‌ای

چالش دیگر، حمایت‌های برخی از کشورهای منطقه از این گروه است. از آنجا که روندهای کلی در سطح منطقه به شکل اتحادها و ائتلاف‌ها حرکت کرده است، برخی از کشورها تلاش خود را بر استفاده از تمام ابزارها حتی بهره‌گیری ابزاری از گروه‌های تروریستی در راستای سیاست‌های واقع‌گرایانه و دستیابی به منافع ملی تنظیم کرده‌اند. در این سطح، حمایت عربستان سعودی از داعش و جریان‌های تکفیری دیگر که معطوف به قدرت‌گیری اهل سنت و کاهش نفوذ‌ژئوپلیتیکی ایران است، باید مورد توجه قرار گیرد.

در این میان، شواهد زیادی وجود دارد که عربستان با حمایت نسلیحاتی از سنی‌ها و گروه‌های مانند داعش، به ملت‌هب کردن اوضاع عراق اهتمام ورزیده است. در عین حال حتی مطرح شده است که عربستان سعودی در حمایت از داعش و علیه اقدامات ارتش عراق، در الانبار تهدید کرد که در که در صورت ادامه این وضعیت، نیروهای نظامی خود را تحت عنوان سپر دفاع جزیره وارد خاک عراق خواهد کرد. در هر صورت باید گفت که عربستان سعودی متعاقب بهار عربی، به انحصار مختلف تلاش نمود تا جایگاه شیعیان در عراق را مخدوش نماید. مقابله و مخالفت با تحرکات جریان‌های شیعه و بسیج مردمی شیعیان که با هدایت ایران و نقش بارز سردار سلیمانی انجام می‌گرفت، فشار به غرب و دولت عراق در عدم بهره‌گیری از نیروهای حشدالشعبی و حمایت‌های مالی، تسلیحاتی و اطلاعاتی از جریان‌های تکفیری، بخشی از اقدامات عربستان متعاقب تحولات اخیر بوده است. با این حال، فشار زیاد عربستان و کشورهای دیگر عربی به غرب

و برخی دولتمردان عراقی، باعث تاخیر در عملیات آزادسازی تکریت و عدم نقش آفرینی و تحرک نیروهای شیعه در الرمادی شده است که خود به سقوط این شهر به دست داعش در اردیبهشت ۱۳۹۴ منجر شد (نیاکویی و مرادی، ۱۳۹۴).

### ۳-۴. راهبردهای آمریکا در منطقه

چالش اساسی دیگر در راه مبارزه ایران با گروه داعش، سیاست خارجی نیابتی ایالات متحده و در وهله راهبرد مبارزه با تروریسم از طریق ائتلاف ضدداعش است. آمریکا پس از سقوط صدام به دنبال ارائه الگویی از دموکراسی سکولار در عراق برآمد. آمریکا با نابودی ارتش، عملاً زمینه خلا قدرت در عراق را ایجاد نمود که با توجه به شکاف‌های پیچیده اجتماعی به گسترش نامنی در این کشور منجر شد. البته از سویی دیگر، متأثر از حمله ایالات متحده و ترتیبات جدید قدرت در عراق، شیعیان در ساختار سیاسی این کشور جایگاه بالایی به دست آورده‌اند که به مذاق برخی از کشورها نظیر عربستان خوش نیامد و تحولات عراق، خود زمینه برخی کدورت‌ها در روابط عربستان و آمریکا را ایجاد نمود.

آمریکا و اتحادیه اروپا و حتی رژیم صهیونیستی در کردستان عراق، دارای نفوذ و روابط گسترده‌ای هستند که این خود حاکی از بهره‌گیری بازیگران مختلف از شکاف‌های اجتماعی متعددی است که در جامعه عراق وجود دارد. در این میان باید توجه داشت که با ناکامی آمریکا در ایجاد ثبات در عراق، تغییرات قابل توجهی در سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا رخ داد. در این شرایط در سال‌های اخیر، منطقه پاسیفیک در سیاست خارجی آمریکا پراهمیت‌تر شده است و از اولویت خاورمیانه کاسته شده است؛ به طوری که انفعال نسبی این کشور در قبال بحران‌های عراق و سوریه و گسترش داعش را از این منظر می‌توان ارزیابی نمود. سیاست خارجی آمریکا در سال‌های اخیر به گسترش رقابت‌های منطقه‌ای در خاورمیانه نیز دامن زده که یکی از مشخصه‌های آن، افزایش فشار عربستان بر سیاست آمریکا بوده است. متأثر از همین فشار، فشار آمریکا نیز بر دولت عراق برای عدم به کارگیری شیعیان در مبارزه با داعش فرونی گرفت و این عامل زمینه

پیش روی های داعش را در استان الانبار فراهم نمود. در واقع، ایالات متحده متاثر از فشار عربستان و کشورهای همسو اجازه بهره گیری دولت عراق از نیروهای حشد الشعبی را نداد و خواهان تقلیل نقش ایران در مبارزه با داعش شد (نیاکویی و مرادی، ۱۳۹۴: ۱۶۲).

رویکرد دیگر سیاست خارجی آمریکا در مقابله با سیاست خارجی ایران در مبارزه با داعش، شکل دهی ائتلاف ضدداعش بود. آمریکا در تابستان ۲۰۱۴ در راستای ایفای نقش اصلی در تحولات منطقه، تصمیم به تشکیل ائتلاف بین المللی ضدداعش با همراهی ۶۰ کشور گرفت (Woody, 2017, 1-2). واشنگتن خود، رهبری و تعیین سیاست های این ائتلاف را نیز بر عهده گرفت و کشورهای عضو نیز کمک های خود را به صورت هوایی، کمک های نظامی و نیروی زمینی در اختیار ائتلاف قرار دادند. در این بین تنها دولت عراق طی نامه ای رسمی به شورای امنیت سازمان ملل، انجام عملیات از سوی ائتلاف ضدداعش در خاک خود را پذیرفت. اما دولت سوریه هیچ گاه به صراحة رضایت خود را در مورد عملیات نظامی ائتلاف ضدداعش ابراز نداشته است. ولید المعلم وزیر خارجه سوریه در کنفرانس مطبوعاتی ۲۵ اوت ۲۰۱۴ به دولت آمریکا اخطار کرد که به هیچ گونه حملات هوایی در خاک سوریه علیه داعش بدون رضایت دولت سوریه اقدام نکند (الهوبی نظری و جلالی، ۱۳۹۶: ۱۱۹-۱۲۰). با این آمریکا و کشورهای شرکت کننده در این ائتلاف با بی توجهی به رویکرد دولت سوریه و ایران و روسیه به عنوان متحدان دمشق بارها نسبت به بمباران مناطق مختلف سوریه نمود. به گونه ای که بر طبق آمار مجله فارین پالیسی، در سال ۲۰۱۷ حدود ۱۶۰۰ غیرنظامی تنها در حملات این ائتلاف در استان رقه کشته شدند (Groll, and Gramer, 2019).

## ۵. نابودی حاکمیت داعش و راهبردهای بعد از آن

در اواخر سال ۲۰۱۷ و بعد از پیروزی های نیروهای ارتش سوریه و مستشاران نظامی ایران در شهر بوکمال که از آن به عنوان آخرین دژ داعش در سوریه یاد می شد، در واقع حاکمیت این گروه تروریستی نابود شده است. البته نابودی حاکمیت و خلافت خودخوانده این گروه پیش از این در عراق نیز با آزادی شهر مرزی قائم که در نقطه مرزی این کشور با سوریه وجود داشت،

رقم خورده بود. داعش با شکست در خاورمیانه، حضور فعال در سایر مناطق همچون لیبی، افغانستان و آسیای مرکزی را دنبال خواهد کرد. گفته‌های رهبران این گروه نیز مoid این موضوع است که مناطقی مانند لیبی، آسیای مرکزی و افغانستان مقصد بعدی داعش پس از عراق و سوریه است. در عین حال علاوه بر پیروزی‌های نظامی که علیه داعش در عراق و سوریه حاصل شده است، آنچه دارای اهمیت است نابودی تفکر داعش در منطقه است. تفکر داعش که در واقع همان تفکر تکفیری است، امروزه بیش از پیش پدیده‌ای رو به فزونی است که در صورت عدم کنترل و مهار، امکان رشد می‌یابد. تکفیر پدیده‌ای نوظهور در تاریخ اسلام نیست. ماهیت تکفیر همانی است که در گذشته بوده است؛ اما آنچه تکفیر عصر حاضر را از گذشته متمایز می‌کند، چهار خصوصیت است که عبارتند از: ابعاد جهانی آن، شبکه‌ای شدن تکفیری‌ها، اقدام به کشتارهای نامتعارف و وحشیانه و همچنین مشوه نمودن چهره اسلام رحمانی در اذهان مردم دنیا (نجات، ۱۳۹۴: ۲۱۸-۲۱۵).

در شرایط کنونی با به ثمر نشستن راهکارهای نظامی و عملیاتی در نابودی حاکمیت داعش، نوبت به راهبردهای فرهنگی برای نابودی تفکر داعش رسیده است. در واقع اقدامات نظامی متضاد و اقدام نظامی هماهنگ بین کشورهای منطقه، فقط بخشی از راه حل مقابله با گروه‌های تروریستی – تکفیری از جمله داعش است. رفع این مشکل، نیازمند اقدامی فرهنگی از سوی مسلمانان و به ویژه اهل سنت و علمای آنان است. در واقع باید گفت که واگذاری نقش به مسلمانان اهل سنت به ویژه علمای آن در مبارزه با داعش، از مهم‌ترین روش‌های مقابله با آنان است. به علاوه این موضوع که تعداد اعضای داعش، به صورت قارچ‌گونه از کشورهای مختلف رشد می‌کند و با وجود شکست‌های پی در پی در سوریه و عراق و تلفات سنگین باز هم می‌توانند از کشورهای مختلف آسیایی، آفریقایی و حتی اروپایی جذب نیرو کنند، موضوعی غیرقابل اغماض به نظر می‌رسد. اعتقادات گروه‌هایی مانند داعش، نه تنها با اعتقادات شیعه در تعارض است، بلکه به طور قابل توجه با اعتقادات اهل تسنن نیز تناقض دارد و هم بزرگان اهل تسنن و هم سران داعش، در مقابل یکدیگر اعلام موضع و حتی برائت و جهاد کرده‌اند.

در طرف دیگر کشورهای منطقه نیز باید به این باور برسند که فقط با یک گروه تروریستی مبارزه نمی‌کنند، بلکه با ایدئولوژی مخربی روپرتو هستند که باید جدا از عرصه نظامی، آن را در عرصه اندیشه و فکر نیز شکست داد. در حقیقت، «ایدئولوژی» بزرگ‌ترین خطری است که جهان در دهه آینده با آن روپرتوست. داعش با استفاده از مذهب وارونه‌ای که ارائه می‌دهد و نیز افزایش نفرت، توانایی جذب گروههای تروریستی و عناصر افراط‌گرا را از سراسر جهان دارد. به همین دلیل، نابودی آن برای پایان دادن به این خطر کافی نیست، بلکه باید با ریشه‌های این ایدئولوژی خطرناک مقابله کرد تا نتواند بار دیگر در منطقه رشد کند. ایجاد آگاهی و بیداری میان مردم در قبال داعش و افشاری اهداف واقعی این گروه تروریستی و حامیان آن، از مهم‌ترین راهکارهای مقابله با داعش است؛ اقدامی که مراجع عالی دینی عراق، از جمله آیت‌الله سیستانی به آن پی بردن و از همه مردم، چه شیعه و چه سنی خواستند برای مقابله با این دشمن بسیج شوند (نجات، ۱۳۹۴: ۲۲۰).

در عین حال نکته مهمی که باید به آن توجه نمود، اقدامات سیاست خارجی ایران در این زمینه است که در شرایط پساداعش در کشورهای عراق و سوریه دارای اهمیت وافری می‌باشد. از مهم‌ترین اقدامات ایران در این کشورها می‌توان به تلاش برای مذاکره با کشورهای جنگ‌زده برای حضور فعال در بازسازی آنها اشاره نمود. در ابعاد سیاسی به نظر می‌رسد که ایجاد روابط پایدار با تمامی گروه‌ها و جریان‌های سیاسی و اجتماعی موجود در این کشورها می‌تواند در دستور کار قرار گیرد. این مساله در شرایطی است که دموکراسی تحمیلی در کشورهایی مانند عراق به واقع پژوهه‌ای شکست خورده است و مشاهده می‌شود که با وجود دارا بودن این کشور از یک اکثریت شیعی، دولتی ائتلافی در این کشور شکل می‌گیرد که لزوم توجه ایران به تمامی گروه‌ها در صحنۀ سیاسی عراق را یادآور می‌شود.

به علاوه در سوریه نیز شاهد اکثریتی بیش از ۶۰ درصدی از اهل سنت هستیم که لزوماً بایستی جایگاه مناسبی در آینده سیاسی داشته باشد. در این چارچوب، با وجود اتحاد راهبردی ایران با

این کشور، سیاست خارجی ایران به ویژه از اواسط بحران سوریه به گونه‌ای در جریان است که شاهد رویکرد تهران به گذار به دموکراسی در سوریه هستیم؛ روندی که ضمن حفظ شراکت راهبردی دو کشور، می‌تواند زمینه‌های دیپلماتیک و حضور فعال ایران در میان گروه‌های سوری را فراهم نماید. در سطوح منطقه‌ای نیز به نظر می‌رسد که مهم‌ترین رویکرد سیاست خارجی ایران بايستی بر نابودی کامل تروریسم مرکز باشد. به علاوه در سطوح فرهنگی نیز تعامل بیشتر با سنی‌های حنفی و شافعی و سرمایه‌گذاری روی این جریان‌ها که از خشونت کمتری در قیاس با حنبلی‌ها دارند می‌تواند زمینه‌های ثبات در منطقه را فراهم آورد.

### نتیجه‌گیری

خاورمیانه در طی یک دهه اخیر در گیر تحولات بنیادینی بوده است که به طور کلی سیمای این منطقه را تحت تاثیر قرار داده است. از مهم‌ترین پدیده‌های این منطقه، موضوع شکل‌گیری گروه تروریستی داعش است. در همین چارچوب، شکل‌گیری داعش در خاورمیانه، امنیت ملی ایران را تحت تاثیر قرار داده است. برداشت تهدید ایران از گروه تروریستی داعش به طور کلی به چهار مولفه مجموع قدرت، نزدیکی جغرافیایی، قدرت تهاجمی و نیات تهاجمی این گروه برمی‌گردد. در این شرایط، سیاست خارجی ایران در برابر این گروه به شکل موازن تهدید تجلی یافته است. ویژگی عمدۀ این سیاست خارجی، حضور فعال نهادهای نظامی در شکل‌دهی به سیاست خارجی ایران است که در این راه به ویژه می‌توان به نهاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و بالاخص نیروی قدس اشاره نمود. این نهاد به وسیله کمک‌های مستشاری به درخواست دولت‌های عراق و سوریه در صدد مقابله با داعش برآمده است.

دیگر ویژگی سیاست خارجی ایران را می‌توان تاکید بر راهبردهای بازدارنده توصیف نمود. یک عرصه مهم بازدارندگی ایران را تمرکز بیش از همه بر توان و قدرت موشکی تشکیل می‌دهد که در مقابله با داعش نیز مورد استفاده قرار گرفت. موضوع دیگر، حمایت از نقش حزب الله لبنان و نیروهای مقاومت به عنوان بازوی مکمل ایران تلقی می‌شود. رفتارهای حمایتی ایران از

حزب الله، زمینه‌های بالفعلی را برای دفع تهدید داعش فراهم آورده است. راهبرد دیگر ایران، ایجاد ائتلاف با روسیه است. در این ائتلاف دو کشور دارای زمینه‌های تهدید و منافع مشترکی با یکدیگر هستند. از طرفی، ایران و روسیه هر دو رژیم بشار اسد در سوریه را متحد راهبردی خود در خاورمیانه می‌دانند که باید در دام غرب و متحدهای منطقه‌ای آن گرفتار شود. در طرف دیگر، هر دو کشور با تهدید تروریسم داعش مواجه هستند. به طور ویژه از آنجا که بسیاری از اعضای داعش روس‌تبار هستند، روسیه از گسترش تروریسم به محیط امنیتی خود نگران است. علاوه بر این، تحرکات دیپلماتیک ایران نیز در مقابله با گروه داعش افزایش قابل توجهی داشته است که نشست‌های آستانه قرقستان نشانه آن بوده است.

علاوه بر این، ایران در مبارزه با داعش هچنین دارای چالش‌هایی است که می‌توان از منظرهای مختلف به آنها نگریست. در ابعاد داخلی، ایران با مشکلات داخلی و شکاف‌های اجتماعی در کشورهای درگیر روبرو است که از مهم‌ترین چالش‌های ایران در راه مقابله با تهدیدات داعش به حساب می‌آید. سیاست خارجی ایران در سطح منطقه‌ای نیز با حمایت‌های برجی کشورهای منطقه از داعش مواجه است که راهکارهای ایران را با چالش مواجه کرده است. در سطح فرامنطقه‌ای نیز چالش مهم در راه مبارزه ایران با گروه داعش، سیاست‌های آمریکا است. آمریکا از طرفی با تحت فشار قرار دادن متحدهای خود برای ایجاد ناکارآمدی در فرایند مبارزه با داعش و از طرف دیگر با تشکیل ائتلاف ضدداعش، سیاست خارجی ایران را درگیر چالش نمود.

در شرایط کنونی که با نابودی حاکمیت داعش مواجهیم، علاوه بر اهمیت راهبردهای نظامی، آنچه دارای اهمیت است، تلاش برای نابودی تفکر داعش با تکیه بر بیداری اسلامی و از میان برداشتن غبارهای ابهام از چهره پلید خشونت و خشونت‌ورزی در پوشش دروغین جهاد است که چهره‌ای رشت و کریه از مسلمانان را به جهانیان نشان داده و موجب وهن قدرت و اقتدار دینی و فرهنگی جوامع اسلامی شده است. به همین ترتیب، در مبارزه با آن نیز باید تمامی کشورهای منطقه مشارکت نمایند. نکته مشخص این است که ژئوپلیتیک داعش به مناطق دیگر همچون لیبی،

آسیای مرکزی و افغانستان منتقل می‌شود که این موضوع اهمیت بیش از پیش مقابله با تفکر این گروه را یادآور می‌شود. در عین حال سیاست خارجی ایران نیز علاوه بر راهبردهای نظامی، می‌تواند به حضور موثر اقتصادی و سیاسی در کشورهای در گیر در دوره بعد از داعش بیاندیشد.

## منابع و مأخذ

ازغندی، علیرضا و جلیل روشنل (۱۳۸۶)، **مسائل نظامی و استراتژیک معاصر**، تهران: نشر سمت.

اسماعیلزاد امامقلی، یاسر و حسنعلی احمدی فشارکی (۱۳۹۵)، «داعش و امنیت ایران با تکیه بر مکتب کپنهاگ»، **فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست**، پاییز.

اشرف نظری، علی و عبدالعظیم السمیری (۱۳۹۳)، «بازخوانی هیئت دولت اسلامی در عراق و شام (داعش): فهم زمینه‌های فکری و سیاسی - اجتماعی»، **فصلنامه علوم سیاسی**، سال هفدهم، شماره صحت و هشتم، زمستان.

الهوبی نظری، حمید و امیر فامیل زوار جلالی (۱۳۹۶)، مبانی اقدامات ائتلاف ضدداعش در عراق بر اساس حقوق مخاصمات مسلحانه، **فصلنامه مطالعات حقوق عمومی**، دوره ۲۷، شماره اول، بهار.

امینیان، بهادر و شفق ضمیری جیرسایی (۱۳۹۵)، «تأثیر رژیم کنترل تکنولوژی موشکی بر امنیت ملی و توانایز دارندگی جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه آفاق امنیت**، سال نهم، شماره سی و دوم.

حاتمی، محمدرضا (۱۳۹۴)، «کارویژه تحولات سوریه در امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام**، سال پنجم، شماره چهارم، زمستان.

حاجی یوسفی، امیرمحمد و حیدر ذوالقدری (۱۳۹۶)، «فرهنگ راهبردی سیاست خارجی خاورمیانه‌ای روسیه»، **فصلنامه روابط خارجی**، شماره ۳۴، بهار.

داراء، خلیل و محسن خاکی (۱۳۹۷)، تحلیل اقدامات ژئوپلیتیکی داعش بر اساس مدل مفهومی والرشتین - تیلور، **فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک**، سال چهاردهم شماره ۳، پاییز.

دهقانی فیروزآبادی، جلال (۱۳۸۹)، **سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، تهران: نشر سمت.

دهقانی فیروزآبادی، جلال (۱۳۹۱)، واقع گرایی نوکلاسیک و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، **فصلنامه سیاست خارجی**، سال بیست و پنجم، شماره ۲، تابستان.

دیپلماسی ایرانی (۱۳۹۵/۰۹/۲۷)، «مبازه با داعش، ابزار رقابت ریاض و تهران»، به نقل از ناتوریوی و ترجمه روزبه آرش، **دسترسی** در پوند زیر: <http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1965407/> ۱۳۹۵/۱۱/۲۱.

رضایی، رضا و صدرالدین موسوی (۱۳۹۶)، ظهور داعش و تاثیر آن بر معادلات منطقه‌ای: مطالعه موردی چالش‌ها و فرصت‌های به وجود آمده برای ایران، **مجله جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام**، پائیز و زمستان.

روحی، مجید و سجاد مرادی (۱۳۹۴)، «نقش افزایش قدرت منطقه‌ای ایران بر سیاست‌گذاری شورای همکاری خلیج فارس: ۲۰۱۵-۲۰۰۵»، **فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل**، شماره ۱۸، زمستان.

سنایی، اردشیر و مونا کاویان‌پور (۱۳۹۵)، ظهور داعش و تاثیر آن بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، **فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل**، سال نهم، شماره ۳۴.

شبکه العالم (۱۳۹۶/۰۷/۰۶)، «واکنش ابوبکر بغدادی به حوادث اخیر / از «جنگ لفظی کره شمالی و آمریکا» تا «همه پرسی کردنستان»»، دسترسی در پیوند زیر: <http://fa.alalam.ir/news/3060761/>.

صالحی، جواد و فاتح مرادی نیاز (۱۳۹۴)، «پیامدهای ظهور داعش بر رئولیتیک خاورمیانه»، **فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام**، سال پنجم، شماره اول، بهار.

ظریف، محمدجواد (۱۳۹۷)، سیاست خارجی ایران از درون؛ مذاکره مبنی بر قدرت (مصطفی)، **فصلنامه سیاست خارجی**، سال ۳۲، شماره ۴، زمستان.

قاسمیان، روح الله (۱۳۹۲)، **کنکاشی در تحولات سوریه: ریشه‌ها، بازیگران و پیامدها**، چاپ اول، تهران: انتشارات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی.

گوهری مقدم، ابوذر (۱۳۸۹)، «تأثیر ایدنولوژی بر شکل‌گیری تروریسم جدید»، **فصلنامه آفاق امنیت**، سال سوم، شماره هشتم، پاییز، صص ۱۴۲-۱۲۱.

مرادی، سجاد و رضا سیمیر (۱۳۹۵)، «شکاف‌های اجتماعی عراق و تاثیرهای آن بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با محور بحران ۲۰۱۴»، **دو فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام**، دوره ۴، شماره ۹، پاییز و زمستان.

نجات، علی (۱۳۹۴)، **کالبدشکافی داعش: ماهیت، ساختار تشکیلاتی و پیامدها**، چاپ اول، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.

نیاکوبی، امیر و سجاد مرادی کلاردۀ (۱۳۹۴)، «رقابت قدرت‌های منطقه‌ای در عراق»، **فصلنامه روابط خارجی**، سال هفتم، شماره اول، بهار.

Barrett, Richard (2017), **Beyond the Caliphate: Foreign Fighters and the threat of Returns**, the Soufan Center, October.

Barzegar, Kayhan (2015), **to defeat ISIS, Get Iran on Board**, Foreign Affairs, February 8, available at: <http://www.foreignaffairs.com/articles/iran/2015-02-08/defeat-isis-get-iran-board>.

Business Insider (2018), **Russia claims it has killed 85000 terrorists and zero civilians in Syria**, available at: [www.businessinsider.com/russia-claims-it-has-killed-85000-terrorists-and-zero-civilians-in-syria-2018-10](http://www.businessinsider.com/russia-claims-it-has-killed-85000-terrorists-and-zero-civilians-in-syria-2018-10).

Eisenstadt, Michael (2016), **the Role of Missiles in Iran's Military strategy**, The Washington Institute for Near East Policy, no. 39, November.

Groll, Elias and Robbie Gramer, (2019), **how the U.S. miscounted the dead in Syria**, April 25, available at: <https://foreignpolicy.com/2019/04/25/how-the-u-s-miscounted-the-dead-in-syria-raqqa-civilian-casualties-middle-east-isis-fight-islamic-state/>

Jervis, Robert (1976), **Perception and Misperception in International Politics**, Princeton, NJ: Princeton University Press.

Moos, Oliver, (2018), **the return of the gold Dinar – an analysis of the Islamic state coin production**, religious cop, 23 December.

Philips, Christopher, (2018), **Hezbollah: the real winner of Syrian war**, Middle East Eye, November 1.

Trenin, Dmitry (2016), **Russia in Middle East: Moscow's objectives, priorities and policy drivers**, Carnegie endowment for international peace,

Walt, Stephen (1987), **the Origins of Alliances**, Cornell University Press.

Westermayr, Josef (2015), **Realpolitik in Iran Opportunities and Challenges**, Politikon: IAPSS Political Science Journal, Vol. 28.

Woody Christopher (2017), **Here's how the US-led coalition decides when and where to hit ISIS targets in Iraq**, business insider, Available at: <http://www.businessinsider.com/how-are-us-led-coalition-airstrikes-against-isis-done-201>